

نظام حقوق اساسی مقایسه‌ای و دانش مطالعات منطقه‌ای

محسن خلیلی*

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: 15 دی 1387 - تاریخ تصویب: 1388/4/14)

چکیده

- دانش مطالعات منطقه‌ای (که منطقه‌ها را به عنوان حلقه وصل دولت / ملتها به سطوح کلان نظام بین المللی به شمار می‌آورد) به بررسی ستیزش، جنگ، بحران، همکاری و همگرایی در میان کشورهای واقع در یک منطقه می‌پردازد. بررسی ویژگیهای کشورهای موجود در یک منطقه، نیازمند الگو می باشد. نگارنده «طرحواره بررسی مقایسه ای نظام حقوق اساسی منطقه ای» را مناسب برای شناخت کشورهای یک منطقه تلقی و پیشنهاد می‌کند. حقوق اساسی شاخه‌های از حقوق عمومی است که درباره پیوندهای میان دستگاه دارنده قدرت سیاسی و افراد به عنوان تابعان و فرمانبران قدرت بحث میکند.
- حقوق اساسی مقایسه‌ای شعبه خاصی از حقوق اساسی است که در آن، به همانندی و ناهمانندی سیستمهای برآمده از قوانین اساسی کشورهای گوناگون پرداخته می‌شود. در این مقاله ده موضوع را به صورت جداگانه در مورد هر کشور و سپس تمامی آنها را به شیوه‌های تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. مقولات مورد بررسی عبارتند از: رژیم سیاسی و نظام حکومتی، وضع تفکیک قوا، حدود و منشأ اقتدار قوه مقننه، حدود و منشأ اقتدار قوه مجریه، حدود و منشأ اقتدار قوه قضاییه، نظامهای حزبی، انتخاباتی، حقوق اساسی فردی، آزادیهای عمومی مدنی، نهادهای حکومتی، حفاظت از قانون اساسی، شیوه تجدیدنظر در قانون اساسی و شکل کلی ساختار نظام سیاسی - حقوقی.

کلید واژه‌ها

نظام حقوق اساسی مقایسه‌ای، مطالعات منطقه‌ای، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه، نظامهای حزبی

* Email: khalilipolitical@yahoo.com

مقدمه

گروه علوم انسانی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (در چهارصد و سیزدهمین جلسه) در تاریخ ششم خرداد سال 1380 مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای را در سیزده گرایش به تصویب نهایی رساند: مطالعات ایران، مطالعات خلیج فارس، مطالعات دریای خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، مطالعات آسیای جنوب شرقی، مطالعات اوراسیا، مطالعات آمریکای شمالی، مطالعات آفریقا، مطالعات خلیج فارس، مطالعات خاور قفقاز و شمال آفریقا، مطالعات آسیای جنوبی، مطالعات آسیای شرقی، مطالعات اروپا و مطالعات آمریکای مرکزی و جنوبی. هدف‌های چهارگانه ناظر بر تأسیس و تشکیل رشته مطالعات منطقه‌ای با گرایش‌های سیزده گانه، چنین بوده است:

ایجاد زمینه درک علمی در فرآیند خودآگاهی و رسیدن به کمال مطلوب انسانی، آشنایی کامل با مبانی نظری رشته تخصصی خود و بهره‌مندی از توانایی لازم برای تطبیق الگوهای نظری بر مطالعات موردی با تأکید بر ضرورت آگاهی و توانایی تجزیه و تحلیل علمی برای تصمیم‌گیری در سطح بین‌المللی، آشنایی با مدل‌های علمی رایج در روابط بین‌الملل برای پیش‌بینی رویدادهای سیاسی آینده و اعتمادسازی در روابط بین‌الملل با تأکید بر تعمیق و گسترش مناسبات ایران با کشورهای جهان با ارائه راهکارهای مناسب جهت همگرایی‌های منطقه‌ای و جهانی و تجزیه و تحلیل علمی آنها.

در همه گرایش‌های سیزده گانه، یک درس اختیاری به ارزش دو واحد نظری با عنوان‌هایی چون سیاست و حکومت در ایران، سیاست و حکومت در منطقه خلیج فارس، سیاست و حکومت در حوزه دریای خزر، سیاست و حکومت در خاور قفقاز و شمال آفریقا، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی و قفقاز، سیاست و حکومت در آسیای جنوبی، سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی، سیاست و حکومت در آسیای شرقی، سیاست و حکومت در اوراسیا، سیاست و حکومت در اروپا، سیاست و حکومت در آمریکای شمالی، سیاست و حکومت در آمریکای مرکزی و جنوبی و سیاست و حکومت در آفریقا وجود دارد که به طور عموم هدف از ارائه چنین درسی این‌گونه اعلام شده است:

سرفصل‌های درس سیاست و حکومت در منطقه خلیج فارس از این قرار است: مقدمه، مفاهیم و بحث نظری، چگونگی شکل‌گیری نظام دولت در حوزه خلیج فارس، شکل، ساختار و ویژگی‌های عمومی دولت مدرن در خلیج فارس، تقسیمات کشوری و حدود اختیارات نواحی در کشورهای منطقه، مقایسه کلی نظام سیاسی کشورهای عراق و عربستان سعودی و عمان، ساختار قوه قانونگذاری در کشورهای منطقه (مطالعه تطبیقی)، ساختار قوه مجریه یا کابینه در کشورهای منطقه (مطالعه تطبیقی)، ساختار قوه قضاییه در کشورهای منطقه (مطالعه تطبیقی)، نظام انتخاباتی و چگونگی مشارکت نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی در فعالیت‌های سیاسی، ساختار نظام اجتماعی و نقش قبایل در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، ارتش و سیاست در کشورهای خلیج فارس (مطالعه تطبیقی)، امنیت داخلی و چگونگی اداره امور انتظامی (ساختار، تشکیلات، نقش و عملکردهای پلیس در کشورهای منطقه)، نهادهای اطلاعاتی - امنیتی و نقش و نفوذ آنها در سیاست کشورهای خلیج فارس، سیاست دفاعی و سازماندهی نیروهای نظامی در کشورهای منطقه، اصول، ساختار، ویژگی‌ها و عملکرد سیاست خارجی کشورهای منطقه، دورنمای تحول‌های آینده کشورهای منطقه و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری. دانش مطالعات منطقه‌ای (که منطقه‌ها را به عنوان حلقه وصل دولت - ملت‌ها به سطوح کلان نظام بین‌المللی به شمار می‌آورد) به بررسی ستیزش، جنگ، بحران، همکاری و همگرایی در میان کشورهای واقع در یک منطقه می‌پردازد.

بررسی ویژگی‌های کشورهای موجود در یک منطقه، نیازمند الگوست. نگارنده، طرح‌واره بررسی مقایسه‌ای نظام حقوق اساسی منطقه‌ای را مناسب برای شناخت کشورهای یک منطقه تلقی می‌کند. برای گزینش کشورهایی که حقوق اساسی آنها موضوع بررسی مقایسه‌ای قرار می‌گیرند، چهار معیار در دست داریم: گزینش کشورهایی که در یک منطقه جغرافیایی واقع شده‌اند؛ گزینش کشورهایی که ویژگی‌های مشترک فرهنگی، تاریخی، زبانی و نژادی دارند؛ گزینش کشورهایی که به سبب اجرای صحیح قانون اساسی، ثبات حکومت و تجربه ذهنی و عینی در اجرای اصول یک قانون اساسی مکتوب، از نظام حقوق اساسی ثابتی بهره‌مند شده‌اند و مقایسه حقوق اساسی یک کشور در ادوار مختلف تاریخ سیاسی و اجتماعی آن (بوشهری، 1384 پ)، ص 20. در این الگوی پیشنهادی باید 10 موضوع را به طور جداگانه در مورد هر کشور و سپس همه آنها را به شیوه‌ای تطبیقی درباره کشورهای واقع در یک منطقه جغرافیایی، بررسی کرد. این 10 مقوله عبارتند از: رژیم سیاسی و نظام حکومتی، وضع تفکیک قوا، حدود

و منشأ اقتدار قوه مقننه، حدود و منشأ اقتدار قوه مجریه، حدود و منشأ اقتدار قوه قضاییه، نظام‌های حزبی - انتخاباتی، حقوق اساسی فردی، آزادی‌های عمومی مدنی، حفاظت از قانون اساسی، شیوه تجدیدنظر در قانون اساسی، شکل کلی ساختار نظام سیاسی - حقوقی و نمودار پیکره نظام حقوقی - سیاسی.

بایدهای تأسیس الگو یا مدل پیشنهادی

حقوق اساسی، شاخه‌ای از حقوق عمومی است که از پیوندهای میان دستگاه دارنده قدرت سیاسی و افراد، به عنوان تابعان و فرمانبران قدرت بحث می‌کند. پایه‌های اصلی بحث حقوق اساسی عبارت است از حقوق و آزادی‌های فردی و حدود اقتدار دستگاه اعمال‌کننده قدرت سیاسی. در بحث از حقوق و آزادی‌های فردی می‌توان از این موضوع‌ها سخن به میان آورد: آزادی شخصی، آزادی تن، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی اعتصاب و نیز حقوق ناشی از اجرای عدالت مانند منع توقیف افراد، رسیدگی محاکم به دلیل بازداشت افراد، علنی بودن محاکمه‌ها، بطلان اقرار توأم با اکراه و اجبار، منع تجسس مسکن افراد، ممنوعیت تکرار محاکمه، ممنوعیت عطف به ما سبق کردن قانون، حق داشتن وکیل و منع مجازات شدید و حقوق مالی و حقوق ناشی از مالکیت فردی.

همچنین می‌توان از این راه به پژوهش‌های تک موضوعی، کشور به کشور و مقایسه‌ای دست یافت. از سوی دیگر، در بحث از دستگاه دارنده قدرت سیاسی، می‌توان از تفکیک قوا، استقلال قوا، قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضاییه، حدود و منشأ اختیارات اجرایی، تقنینی و قضایی، مسئولیت وزیران، انواع وزارتخانه‌ها، نیروهای مسلح، اختیارات فرماندهی کل قوا، نظام‌های انتخاباتی و آراء عمومی، حکومت‌ها و شوراهای محلی و پیوند، تأثیر و نفوذ قوای سه‌گانه بر یکدیگر، سخن به میان آورد و در این زمینه نیز پژوهش‌های تک موضوعی، کشور به کشور و مقایسه‌ای را به انجام رساند. حقوق اساسی مقایسه‌ای شعبه خاصی از حقوق اساسی است که در آن به وجوه همانندی و ناهمانندی سیستم‌های برآمده از قوانین اساسی کشورهای جهان پرداخته می‌شود. مجموعه قواعد و اصول مربوط به تشکیلات اساسی دولت و قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه، اختیارات و روابط و پیوندهای آنها با یکدیگر و نیز

روابط افراد و دولت و حقوق و تکالیف متقابل دو طرف که آن را قانون اساسی هر کشور تعیین می‌کند، زیربنای نظام حقوق اساسی یک کشور است.

حقوق اساسی، قسمتی از حقوق داخلی است که ناظر به ماهیت و شکل حکومت و قوای مهم آن، حدود اختیارات قوای ذکر شده نسبت به یکدیگر و نسبت به افراد کشور و روابط متقابل افراد و دولت است. افزون بر آن، تحقیق در حقوق اساسی مقایسه‌ای سبب می‌شود که شخص از سازمان، وظایف و مسئولیت‌هایی که به ظاهر برای حکومت‌ها ذکر می‌شود به معنی و ریشه‌های مفاهیم آنها از راه تحلیل و مقایسه پی ببرد و با وسعت نظر و آگاهی بیشتر به مؤسسه‌های دولتی کشور خود بنگرد، بیندیشد و مسائل آنها را درک کند. در این زمینه، الگوی پیشنهادی، توانایی پاسخ‌گویی به پنج پرسش را به روش مقایسه‌ای فراهم می‌کند.

رژیم سیاسی، نظام حکومتی و نهادهای حکمروایی منبعث از قوانین اساسی کشورهای یک منطقه چگونه است؟ وضع تفکیک قوا در قوانین اساسی کشورهای یک منطقه چگونه است؟ حدود و منشاء اقتدار قوای سه‌گانه مقننه و مجریه و قضاییه در قوانین اساسی کشورهای یک منطقه از چه قرار است؟ نظام احزاب و انتخابات در قوانین اساسی کشورهای یک منطقه چگونه است؟ حقوق اساسی فردی و آزادی‌های عمومی مدنی در قوانین اساسی کشورهای یک منطقه از چه قرار است؟ این الگوی پیشنهادی از آن رو الگو نامیده شده است که بر مجموعه‌ای از تعریف‌ها و پیش‌فرض‌ها استوار شده است که پژوهشگر را در کاوش و بررسی جزئیات مربوط به یک قلمرو (که در این پژوهش حقوق اساسی مقایسه‌ای نامیده شده است) توانمند می‌کند. بنابراین نوعی سرمشق فکری است که پژوهشگر را قادر می‌کند تا آن چه را که می‌خواهد، گزینش کند و مورد تجزیه و تحلیل و همچنین تجربه و عمل قرار دهد.

از طرف دیگر، می‌توان به این شاکله پیشنهادی نوین، نام مدل نیز داد، زیرا مدل‌ها، چارچوبی مفهومی یا نظری فراهم می‌آورند و می‌توانند نمایانگر ساختار تبیینی فرضیه واری باشند که شاید با استفاده از تشبیه و تمثیل به دست آیند یا می‌توانند روشی برای سازماندهی نتایج پژوهش و ارائه آنها باشند. با فروکاهیدن برخی از جنبه‌های تعمیق یافته مربوط به تعریف مدل‌ها، می‌توان در یک معنای ساده سازانه و تقلیل‌گرایانه، مدل را نوعی نمایش سه بعدی پدیده مورد بررسی تلقی کرد که از طریق تجزیه به اجزای کوچک‌تر، باعث عمق بیشتر درک و شناخت پژوهشگر از پدیده قابل شناسایی می‌شود. در این معنا، مدل عبارت از بازنمود کوچک‌تر پدیده‌ای است که در حیطه شناسایی پژوهشگر قرار گرفته است.

درون‌مایه الگو یا مدل پیشنهادی

چارچوب پیشنهادی نگارنده بر این ادعا استوار شده است که می‌توان با تکیه بر 9 مؤلفه، هم نظام زمامداری یک کشور را شناخت و هم به شکلی مقایسه‌ای، نظام حکمروایی کشورهای واقع در یک منطقه را مورد بررسی و شناسایی قرار داد. این 9 مؤلفه به این قرار است: رژیم سیاسی و نهادهای نظام حکومتی، وضع تفکیک قوا، حدود و منشأ اقتدارات قوه مجریه، حدود و منشأ اقتدارات قوه مقننه، حدود و منشأ اقتدار قوه قضائیه، نظام‌های حزبی-انتخاباتی، حقوق اساسی فردی و آزادی‌های عمومی مدنی، حفاظت از قانون اساسی، شیوه تجدیدنظر در قانون اساسی و شکل کلی ساختار نظام سیاسی-حقوقی.

الف- رژیم سیاسی و نهادهای نظام حکومتی

شیوه سازماندهی روابط بین فرمانروایان و فرمانبران را رژیم سیاسی می‌نامند. رژیم‌های سیاسی- نظامی از روش‌ها یا شیوه‌های اعمال قدرت دولتی است که وضعیت حقوق و آزادی‌های فردی و پیوند میان ارگان‌های قدرت دولتی در آن، بر مبنای قانون اساسی و عادی تعیین می‌شود. نهادهای حکومتی با حفظ نظم و قدرت، اجرای عدالت و محافظت جامعه در برابر بیگانگان سر و کار دارند و مجموعه کار ویژه‌های خود را در نهاد خاصی به عنوان دولت جمع می‌کنند که تنها منبع مشروع اعمال سلطه اجباری بر شهروندان محسوب می‌شود. رژیم‌های سیاسی با توجه به وجود برخی از معیارها از یکدیگر متمایز می‌شوند. به عنوان نمونه اگر منشأ رسمی قدرت دولتی، سلطان باشد، شکل حکومت، سلطنتی خوانده می‌شود که یک فرد بر پایه وراثت، رئیس کشور است. اگر منشأ قدرت، مردم یا اکثریت باشند، شکل حکومت را جمهوری می‌خوانند که در آن، ارگان‌های عالی قدرت دولتی برای مدت معینی انتخاب می‌شوند. ایده نظام سیاسی یا به تعبیر درست‌تر نظام حکومتی، از این باور برمی‌خیزد که دلیل وجودی حکومت، تدوین و اجرای تصمیم‌هایی برای جامعه است که همانند فرایند تخصیص ارزش‌ها است. به تعبیر بلاندل، حکومت‌ها پیوسته به صورت نهادهایی تصور شده‌اند که بازیگران و به‌ویژه رهبران سیاسی، در درون آنها عمل می‌کنند. از این دیدگاه، حکومت بر اساس مجموعه‌های تصمیم‌گیر که به یکدیگر مرتبط هستند مانند یک نظام تلقی شده است. در این نوع ساختار، یک عنصر مشترک وجود دارد. همه آنها،

الگویی از ارتباط میان افراد و اجزای متعلق به خود را به دست می‌دهند. نظام سیاسی ملی همانند جامعه، از افراد و اجزایی تشکیل یافته است که به الزام طبق مجموعه متنوعی از روابط الگوبندی شده با یکدیگر در ارتباط هستند (بلاندل، 1378، ص 40).

ب- تفکیک قوا و قوه‌های سه‌گانه

نبود اختیار و توانایی هر یک از سه قوه برای دخالت خودافزاینده و دیگر کاهشنده در امور مربوط به قوه دیگر به معنای تفکیک قوا است. کار ویژه قوه مقننه، وضع و ابداع قوانین لازم و اصلاح قوانین سابق است و در شکل مجلس و نظام پارلمانی بروز می‌یابد. کار ویژه قوه قضاییه، رسیدگی به اختلاف‌ها بین افراد با یکدیگر و افراد با دولت یا سازمان‌های عمومی و ختم فصل الخطابی دعاوی است و در شکل دادگاه‌ها بروز پیدا می‌کند. کار ویژه قوه مجریه، اجرای قوانین مصوب، تصمیم‌های قوه مقننه، اداره امور کشور و اجرای سیاست داخلی و خارجی است که خروجی آن را می‌توان در شکل وزارتخانه‌ها و دیوانسالاری و هیأت وزراء و مقامات عالی‌رتبه اجرایی دید. تفکیک قوای حکومت به سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه، اساس حکومت‌های دموکراتیک است و بنیادهای نظری آن را، منتسکیو در «روح القوانين» مطرح کرده است. منظور وی، مهار کردن قدرت نامحدود قوه مجریه در مقابل استبداد بود.

قدرت حاکم در هر کشوری در اختیار عده‌ای است که نسبت به جمعیت آن کشور محدود هستند. این گروه، تصویب و اجرای قوانین و همچنین رسیدگی به اختلاف‌های ناشی از اجرای مقررات را به عهده دارند و مصوبات، اوامر و آرای آنان نسبت به کسانی که در قلمرو دولت سکونت دارند یا اتباع آن دولت هستند، لازم الاجرا است. تجزیه قدرت حاکم به سه شعبه قانونگذاری، اجرایی و قضایی از آثار حکومت قانون است. به یک تعبیر، حفظ آزادی، مستلزم تمیز صلاحیت و تشخیص اقتدارات هر یک از سه قوه است. زیرا هر قدرتی که به یکی از شیوه‌های موجود تقسیم نشود، به سوی استبداد خواهد شتافت. بنابراین پیش از اینکه به مرحله اجرا درآید، باید تجزیه و محدود شود (بوشهری، 1384 (الف)، ص 99). اندیشه تفکیک قوا، برخلاف آنکه قوانین اساسی مدرن به دوران نهضت قانون اساسی‌گرایی قرن هجدهم به بعد تعلق دارند، در اندیشه سیاسی افلاطون نهفته بود که به طور اساسی به خطر موجود در یک قدرت سیاسی غیرقابل واریسی متمرکز در یک شخص اشاره می‌کرد (Maddex, 1996, p. 267). تجزیه قدرت مانند یک قاعده عقلی، از همان آغاز شکل‌گیری اندیشه سیاسی، وجود داشته است.

ج - قوه مقننه

قوه مقننه یکی از قوای سه‌گانه و از نهادهای سیاسی کشور است که به وضع و ابداع قوانین لازم و اصلاح قوانین سابق می‌پردازد. در رژیم‌های دموکراتیک برای استقرار حکومت ملی و برای اجرای خواست اکثریت، نمایندگان مردم در یک یا دو مجلس جمع می‌شوند و با توجه به احتیاج‌ها و مصالح عمومی کشور، به تدوین قوانین و تصویب طرح‌ها و لایحه‌های قانونی اقدام می‌کنند. بنابراین کار ویژه قوه مقننه، وضع و ابداع قوانین لازم و ابطال و اصلاح قوانین موجود است و به شکل مجلس و نظام پارلمانی بروز می‌یابد. پارلمان‌ها پنج وظیفه مهم بر دوش دارند: قانونگذاری، واری در کار قوه اجرایی، نظارت بر امور مالی کشور، وظایف قضایی مجلس، بحث در موضوع‌های مهم (بوشهری، 1384 ب)، ص 92). مجموعه‌ای از نهادها و رفتارها، قوه مقننه را شکل می‌دهند: سازمان قوه قانونگذاری، روش‌های انتخاب نمایندگان، احزاب سیاسی، نظام انتخابات و شیوه واری و تطابق مصوبات مجالس با متن قانون اساسی. بنابراین قوه مقننه، یک نظام حکومتی پیچیده با ابعادی کوچک‌تر است. آستین رنی، هنگامی که از قوه مقننه سخن می‌گوید، آن را به یاری شش ویژگی خاص، از قوه مجریه و قضاییه بازشناسی می‌کند: از سازمان‌های رسمی حکومت است، اعضای بسیار دارد، اعضای آن را مردم به طور مستقیم انتخاب می‌کنند، اعضای آن به طور رسمی با یکدیگر برابرند، آنها با مشورت کردن درباره راه‌های ممکن، تصمیم می‌گیرند و با شمارش آرای اعضا، تصمیمات را ثبت می‌کنند (رنی، 1374، ص 325). وظایف هیأت قانونگذاری نیز چنین است: تصویب قانون موضوعه، وظیفه مربوط به تجدیدنظر یا تدوین قانون اساسی، وظایف انتخاباتی، وظایف ملی، وظایف اجرایی، وظایف قضایی، وظایف تحقیقی و وظایف اطلاعاتی.

د - قوه مجریه

نیروی محرک هر نظام سیاسی، به طور معمول در قوه مجریه آن نظام متمرکز است. توصیف قوه مجریه، از توصیف قوه مقننه و قضاییه دشوارتر است. زیرا از نظر تاریخی، قوه مجریه پیوسته قلب حکومت بوده و آنچه امروز قوای مقننه و قضاییه خوانده می‌شوند، کمابیش شاخه‌هایی هستند که از تنه قوه مجریه اولیه بیرون آمده‌اند. بنابر یک تعریف، قوه مجریه متشکل از مقامات اجرایی هستند که رؤسای سازمان‌هایی غیرتقنینی و غیرقضایی به شمار

می‌آیند و برای دوره‌ای محدود برای نظارت بر سیاستگذاری و اجرای خط‌مشی‌های حکومت انتخاب یا منصوب می‌شوند (رنی، 1374، صص 361-362).

شاخه اجرایی حکومت در بالاترین بخش هرم سیاسی جامعه، سه کار ویژه دارد: تصمیم‌گیری و ابتکار عمل حکومتی و شکل‌بندی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های عمومی، کاربست و کاربردی کردن تصمیم‌ها و اقدام‌های قانونی نهادهای قانونی از طریق بخش‌های گوناگون بوروکراسی و همسازسازی و همگرا کردن مجموعه‌ای از امور پیچیده در سطح دولت (Newton, 2005, p.45) قوه مجریه متشکل از رئیس کشور، نخست وزیر و هیأت وزیران، وزارتخانه‌ها، مستخدمان دولت، نظام اداری و نیروی نظامی و انتظامی است.

ه- قوه قضاییه

قوه قضاییه یکی از قوای سه‌گانه است که بر اساس قوانین، مقررات، رویه قضایی و عرف به اختلاف‌هایی که بین اشخاص، افراد و دولت و یا بین سازمان‌های عمومی ایجاد می‌شود، رسیدگی می‌کند و با احکام خود به دعاوی خاتمه می‌دهد. قوه قضاییه به معنی خاص کلمه، یک نهاد سیاسی شمرده نمی‌شود، زیرا نه مانند قوه مقننه، واضح قانون است و نه مثل قوه مجریه، هادی سیاست کلی و عمومی کشور. در برخی کشورها، قوه قضاییه علاوه بر وظیفه قضایی، وظیفه سیاسی هم دارد. به عنوان نمونه، دیوان عالی در آمریکا به عدم تطابق قانون اساسی و قوانین عادی رسیدگی می‌کند.

کار ویژه قوه قضاییه، رسیدگی به اختلاف‌ها بین افراد با یکدیگر و افراد با دولت یا سازمان‌های عمومی و ختم فصل الخطابی دعاوی است و در شکل دادگاه‌ها بروز می‌یابد. به طور کلی دادگاه‌ها امروزه دو وظیفه متمایز دارند: اجرای قانون و حل و فصل دعاوی. قانون عبارت از قاعده‌ای کلی است که از سوی سازمان حکومتی وضع می‌شود و رفتار خاصی را امر یا نهی می‌کند. مجازات خلاف کاران ناقض قوانین مصوب، یکی از وظایف قوه قضاییه است. از سوی دیگر، هر موضوعی که در یک دادگاه مطرح می‌شود، دربرگیرنده مشاجره بین دو طرف است. یک طرف، خواهان است که علیه طرف دیگر یعنی خواننده، شکایت می‌کند. اصل هر دعوی قانونی، دعوایی است در مورد درستی یا نادرستی شکایت خواهان علیه خواننده. در هر دعوی قانونی سه دسته منافع متمایز (منافع خواهان، منافع خواننده، منافع اجتماع) وجود دارد. منفعت اجتماع، در حل و فصل صلح‌آمیز و عادلانه دعوا است.

ی- نظام حزبی و رژیم انتخابات

حزب نوعی سازمان سیاسی است که از هم فکran و طرفداران یک آرمان تشکیل می‌شود و با داشتن تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه‌مدت و درازمدت برای نیل به آرمان‌های اعلام شده از دیگر اشکال سازمانی، مانند جبهه و گروه سیاسی متمایز می‌شود و به طور معمول به شکلی مسالمت‌آمیز برای به دست گرفتن قدرت دولتی و یا مشارکت در آن مبارزه می‌کند. یک حزب باید سازمان‌هایی مرکزی، رهبری‌کننده، پایدار و ماندنی داشته باشد. به تعبیر دیگر، تشکیلات حزب نباید با مرگ رهبران و بنیانگذاران حزب از هم بپاشد. از سوی دیگر، حزب باید سازمان‌های محلی پایداری داشته باشد و با سازمان‌های مرکزی حزب، ارتباط دائمی داشته باشد. افزون بر آن، رهبران مرکزی و محلی حزب، باید مصمم باشند که قدرت سیاسی را در کشور، خواه به تنهایی و خواه به کمک حزب‌های دیگر، به دست گیرند و آن را رهبری و اداره کنند و نباید تنها به اعمال نفوذ بر روی قدرت سیاسی حاکم اکتفا کنند. سرانجام، حزب باید حمایت مردم را داشته باشد. یک نظام حزبی مشتمل است بر اعضا، سران، رئیس و مدیران حزب، رسالت حزب سیاسی، سازمان حزب سیاسی، تصمیم‌گیری و سلسله مراتب و سازمان غیررسمی و پایگاه اجتماعی حزب سیاسی، ایدئولوژی حزب سیاسی، امور مالی احزاب سیاسی و شیوه‌های مشارکت در روندهای انتخاباتی.

به تعبیر بال و گای پیترز، حزب‌ها درون نظام‌های حزبی فعالیت می‌کنند و نوع نظام حزبی که در متون قانونی درج شده است، تأثیرهای زیادی بر رفتار احزاب دارد. با توجه به چهار معیار شمار حزب‌ها، توانایی نسبی حزب‌ها، تفاوت‌های ایدئولوژیک میان حزب‌ها و ساختار حزب‌ها می‌توان از نظام‌های تک حزبی، حزب مسلط، دوحزبی مشخص، دو حزبی نامشخص، دو و نیم حزبی، چندحزبی باثبات و چندحزبی بی‌ثبات (بال و گای پیترز، 1384، صص 139-135) به عنوان الگوهای گوناگون نظام حزبی سخن به میان آورد.

یکی از عوامل تکامل نظام حزبی، نظام انتخابات است. نظام انتخاباتی، نظامی است که در آن، شرایط و حقوق و وظایف انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان و چگونگی اخذ آراء و تشکیل سازمان‌های رأی‌گیری هر کشور را معین می‌کند. نظام انتخاباتی، فقط روش‌های شمارش تعداد آراء رأی‌دهندگان نیست؛ توصیف کامل نظام انتخاباتی، عواملی مانند گستره حق رأی را دربرمی‌گیرد، یعنی مشخص کردن آنهایی که حق رأی دارند.

این نظام دربرگیرنده مقررات مربوط به معرفی نامزدها و حزب‌ها و مقررات مربوط به برنامه‌ریزی مدیریت انتخابات، به ویژه مقررات جلوگیری از فساد و تقلب است. یک نظام انتخاباتی از سه جنبه روش‌های رأی دادن، روش‌های شمارش آراء، تبدیل آراء به کرسی‌ها و مناصب قابل پژوهش است و به انواعی همچون حوزه انتخاباتی تک عضو و تک رأی، تک عضو و رأی‌گیری دو مرحله‌ای، تک عضو با رأی ترجیحی، کنندگی تناسبی، نظام فهرست، تک رأی قابل انتقال و کنندگی اکثریتی، تقسیم می‌شود (Sodaro, 2008, pp. 205-215).

و- حقوق اساسی فردی و آزادی‌های عمومی مدنی

پایه‌های اصلی بحث حقوق اساسی عبارت است از حقوق و آزادی‌های فردی و حدود اقتدار دستگاه اعمال‌کننده قدرت سیاسی. در بحث از حقوق و آزادی‌های فردی می‌توان از آزادی شخصی، آزادی تن، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی اعتصاب و نیز حقوق ناشی از اجرای عدالت مانند منع توقیف بدون دلیل افراد، رسیدگی محاکم به دلایل بازداشت افراد، علنی بودن محاکمه‌ها، بطلان اقرار توأم با اکراه و اجبار، منع تجسس مسکن افراد، ممنوعیت تکرار محاکمه، ممنوعیت عطف به ماسبق شدن قانون، حق داشتن وکیل و منع مجازات شدید و حقوق مالی و حقوق ناشی از مالکیت فردی سخن به میان آورد. حقوق و آزادی‌های فردی باید به شکلی دقیق در حمایت قانون قرار گیرد. درج در قانون اساسی، یکی از دو راهی است که برای این منظور در نظر گرفته شده است. در متن قانون اساسی بسیاری از کشورها، موارد مربوط به حقوق فردی و آزادی‌های عمومی را مکتوب کرده‌اند.

در این صورت به تعبیر بوشهری، این حقوق همان ارزش و اعتباری را خواهد داشت که قانون اساسی دارد. یعنی مجالس قانونگذاری عادی، اجازه و اختیار تغییر آنها را ندارند و تغییر، نسخه‌ها یا حذف آنها نیز امکان پذیر نخواهد شد، مگر از راه تجدید نظر در قانون اساسی (بوشهری، 1384 ب)، صص 54-53). متن قوانین اساسی همه کشورهای دنیا نشان می‌دهد که اصولی به حقوق و آزادی‌های فردی با عنوان‌هایی همچون حقوق اساسی، حقوق پایه، حقوق بنیادین، حقوق بشر، آزادی‌های مدنی، آزادی‌های فردی، آزادی‌های عمومی و حقوق و آزادی‌های همگانی اختصاص یافته‌اند (Maddex, 1995).

ر- تجدیدنظر در قانون اساسی و حفاظت از قانون اساسی

متن قانون اساسی، پاسخ گوی نیازهای مقطعی جوامع سیاسی است. از آن جا که نیازها و مقتضیات، همدوش با پویایی‌ها و تحول‌های جامعه دگرگون می‌شوند، قانون اساسی نیز باید با پذیرش اصلاح و تغییر، برای هماهنگی با شرایط نوین، به حرکت درآید. بازنگری یا تجدیدنظر عبارت است از تغییری که در اعلامیه حقوق، اصول قانون اساسی، مواد قوانین عادی و یا قواعد نظم آفرین صورت می‌پذیرد. روند، شیوه و محتوای بازبینی‌های حقوقی و تغییرهای قانونی را تجدیدنظر، اصلاح یا متمیم و بازنگری می‌نامند. در مجموعه زبان لاتین، واژه Amend و دیگر کلمه‌های هم ریشه آن یعنی Amendatory، Amendment، Amendable و Amender همگی اقتباسی از فعل لاتینی "Emmendare" به معنای آزاد کردن از خطا و مصون نگه داشتن از نادرستی و کژئی هستند. به تعبیر مدنی، واقعیت آن است که قوانین ساخته بشر با دید محدود و در شرایط و اوضاع و احوال و درجه تمدن خاص، هر چند کلی و هر چند نتیجه قرن‌ها تجربه باشد، باز هم نمی‌تواند صفت دائمی و همیشگی و جاودانی پیدا کند. با تحول و تکامل شرایط، زمان اصلاح و تغییر قوانین موضوعه و از جمله قانون اساسی، فرا می‌رسد، اما زمان و شرایط اصلاح قانون اساسی و قانون عادی به طبع به یک وضع نیست و نباید باشد (مدنی، 1379، ص 96). حال بسته به ساده یا سخت بودن فرآیند بازنگری در قانون اساسی، قوانین اساسی به دو دسته منعطف و غیرمنعطف تقسیم‌بندی می‌شوند (Maddex, 1996, p.12). اما یک قاعده عقلی دیگر هم در متون حقوقی وجود دارد. اصل تبعیت قانون فروتر از قانون فراتر، یک الزام عقلی است. اگر در سلسله مراتب ارزش حقوقی قوانین به دقت نگریسته شود؛ قانون اساسی، والاترین هنجار حقوقی لقب گرفته است، زیرا همه قوانین دیگر باید خود را با آن منطبق کنند. بنابراین قانونی که مغایر قانون اساسی تصویب شود، باید متوقف بماند و این امر نتیجه منطقی برتری قانون اساسی بر قوانین عادی است. تصویب قانون عادی ناقض قانون اساسی، هم قانون اساسی را در معرض تغییر غیرقانونی قرار می‌دهد و هم ثبات سیاسی و حقوقی کشور را بر هم می‌زند. با توجه به اینکه قانون اساسی، قانون مادر و چارچوب ساز تلقی می‌شود، این امر بدیهی است که همه مقررات جاری باید با متن آن منطبق باشند. از آنجا که لازم است قانون عادی با قانون اساسی تطبیق کند، باید مرجعی صالح، کنترل امر تطبیق را عهده‌دار باشد تا بتواند قانون عادی مصوبی را که خلاف قانون اساسی تأیید شده است ابطال کند.

ز- ساختار نظام سیاسی و حکومتی

ساختار نظام سیاسی و حکومتی یعنی نظم و نسق مجموعه‌ای از اشیاء، اجزا و نیروهایی که به نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند که یک کل خاص را تشکیل می‌دهند و ویژگی بنیادی آن عبارت از محوریت قانون و قدرت مجاز است. در چنین نظامی، ارزش‌ها، خدمات و کالاها بر حسب قدرت معتبر برای همه جامعه سهم بندی و اوامر و نواهی آن اجرا می‌شود. نظام سیاسی، ساختاری است فراگیر و پیچیده که موجودیت جامعه را مانند یک ارگانسیم واحد که به وسیله یک قدرت سیاسی مرکزی اداره می‌شود، حفظ می‌کند. هنگامی که از نظام سیاسی سخن به میان می‌آید، به الگویی از عناصر ساختاری و رفتاری که با یکدیگر پیوند دارند اشاره می‌شود. نظام سیاسی، نظامی از تعامل‌های جامعه است که تخصیص‌ها و توزیع‌های الزام آور یا آمرانه از راه آن صورت می‌گیرد. مفهوم نظام سیاسی نشان می‌دهد که بخش‌های گوناگون یک نظام به یکدیگر بستگی دارند و تغییرات در جنبه‌ای از نظام، بر بخش دیگر اثر می‌گذارد. یک گونه شناسی معمول و مشهور از رده بندی نظام‌های سیاسی از لیبرال دموکراسی، کمونیسم، در حال گذار و اقتدارگرا مانند انواع نظام‌های سیاسی موجود در کشورهای دنیا سخن به میان می‌آورد. برای رسیدن به سازمان سیاسی، دو راه وجود دارد: یک راه، اجماع نظر است که در آن، افراد گردهم می‌آیند تا از خودشان محافظت کنند و قواعدی مشترک را پدید آورند.

رهبران از میان مردم انتخاب می‌شوند و امنیت از راه همکاری تأمین می‌شود که این شیوه به سلطه دموکراتیک می‌انجامد. راه دیگر، به جای اجماع، اجبار است که در آن، افراد به وسیله یک حاکم گرد هم آورده می‌شوند. او نیز سلطه خود را بر آنها تحمیل می‌کند و قدرت را به انحصار خود درمی‌آورد. امنیت نیز به واسطه استیلای حاکم تأمین می‌شود که این شیوه به سلطه اقتدارگرایانه منجر می‌شود (اونیل، 1386، ص 39). بنابراین هنگامی که از تجمیع و انباشت پیوندهای متقاطع میان مفاهیم و نهادهایی همچون جامعه پذیری، گزینش کارگزاران، بیان منافع، تألیف منافع، سیاست‌گذاری، اجرای سیاست‌ها، قضاوت سیاست‌ها، نهادهای اجتماعی، گروه‌های نفوذ سازمان‌یافته، احزاب، رسانه‌های جمعی، دیوانسالاری، پارلمان، نخست وزیر و کابینه، رئیس‌جمهور و پادشاه سخن گفته می‌شود، در واقع از مفهوم کلی نظام سیاسی و نهادهای حکومتی یاد شده است. بسته به نوع، کمیت و کیفیت رفتارهای برخاسته از یک نظام سیاسی، می‌توان ویژگی کلی آن را با یک نام مشخص (لیبرال دموکراتیک، اقتدارگرای

مساوات طلب، غیرمساوات طلب سنتی، پوپولیستی، اقتدارگرای غیرمساوات طلب و دین گرا) تعیین کرد.

ح- نمایش و نمودار نظام سیاسی

نمودارهای نمایشگر درون دادها، میان دادها و برون دادهای یک نظام سیاسی - حقوقی، در حقیقت شرح و وصف چگونگی پیوند میان اجزای یک نظام زمامدارانه را ساده‌سازی می‌کنند و به پژوهشگر اجازه می‌دهند که در نگاهی گذرا و با صرف کمترین وقت به کلیت یک نظام حکومتی واقف شود. در واقع، نمودارها* نمایشی از فرضیه سیستم‌ها هستند. نظریه نظام‌ها بر پنج مفهوم استوار شده است: درون‌داد، تصمیم‌گیری، برون‌داد، بازخورد و محیط (Hauss, 2006, p.11). درون‌دادها به دو قسمت حمایت و تقاضا تقسیم‌بندی می‌شوند. فرایند تصمیم‌گیری، هم به ساختار نهادها و هم به ارزش‌ها و مهارت‌ها و شخصیت رهبران بستگی پیدا می‌کند. برون‌دادها می‌توانند به عملکردهای استخراجی، توزیعی، تنظیمی و نمادین یک نظام سیاسی، تقسیم‌بندی شوند. بازخوردهای یک نظام سیاسی نیز به عملکردهایی اشاره دارد که سیستم با تکیه بر آن، اقدام به اصلاح خود می‌کند. از یک سو این عمل را از طریق واکنشی که از محیط گرفته است مورد شناسایی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، برای ممانعت از پدیداری بحران و نارضایتی، به کار می‌بندد.

سرانجام باید پذیرفت که یک نظام سیاسی، خودمختار و آزاد نیست و در حقیقت موجودیتی حد و مرزدار است. حدود یک نظام سیاسی را، هم محیط داخلی و هم محیط بین‌المللی شکل می‌دهند. شرح و وصف پنج ویژگی یک نظام سیاسی، متنی ازشاگونه است و نمی‌تواند به خوبی و درستی نشان دهد که چگونه قدرت سیاسی در یک نظام حقوقی - سیاسی تقسیم می‌شود و چگونه یکدیگر را واریسی و متوازن می‌کنند. اما یک نمودار، می‌تواند نمایشی دقیق از چگونگی پیوند درون مایه‌های یک نظام زمامدارانه باشد.

کاربست مدل یا الگوی پیشنهادی

شیوه پیشنهادی این الگو یا مدل پژوهشی از این قرار است که اصول گوناگون قانون اساسی یک کشور (که در یک منطقه جغرافیایی خاص واقع شده است و در یکی از

گرایش‌های سیزده‌گانه دوره کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای بررسی می‌شود) به 9 قسمت مجزا تقسیم‌بندی و تجزیه می‌شود.

در بخش اول، برخی از اصول قانون اساسی گزینش می‌شوند که نشان‌دهنده نوع نظام سیاسی است. اصل یکم قانون اساسی نیجر، حکومت نیجر را جمهوری مستقل و به دور از سیطره بیگانه تلقی کرده است. اصول چهارم و پنجم قانون اساسی نیجر نیز بیان می‌کند که جمهوری نیجر یک جمهوری متحد، تجزیه ناپذیر، دموکراتیک و سوسیال است که اصول اساسی آن عبارتند از حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم، جدایی حکومت از دین و تعلق حاکمیت ملی به مردم (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1379(ت)، صص 25-23).

در بخش تفکیک قوا و قوه‌های سه‌گانه، شایان یادآوری است که کمابیش اکثر قریب به اتفاق قوانین اساسی دنیا آن را به عنوان یک قاعده آمره حقوقی و هنجار حقوقی عقلانی، اصل تفکیک قوا را پذیرفته‌اند. حتی در یک قانون اساسی نادر یعنی قانون اساسی عربستان سعودی نیز مطابق ماده 44، مقامات حکومتی به سه قسمت مقام قضایی، مقام اجرایی و مقام نظارتی (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1381(ب)، ص 20) تقسیم شده‌اند. در بسیاری از قوانین اساسی دنیا، بلکه همه آنها، اصل تفکیک قوا پذیرفته شده است.

در بحث از قوه مقننه، همه قوانین اساسی دنیا به کار ویژه‌های چندگانه پارلمان‌ها و نقش مهم آنها در ابداع و ابتکار قوانین، اصلاح قوانین، انواع نظارت‌ها و همکاری در اداره امور جاری کشور اشاره می‌کنند. به عنوان نمونه، بخش‌های ده‌گانه اصل اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1378 (الف)، صص 28-19) به اختیارات قانونگذاری، ترکیب مجلس نمایندگان، ترکیب مجلس سنا، عملکرد مجلس قانونگذاری و کنگره، نحوه عملکرد دو مجلس، حقوق و مزایای سناتورها و نمایندگان، تصویب لوایح در مجلس نمایندگان، اختیارات کنگره و نظارت کنگره اشاره شده است. در عین حال می‌توان نشانی از سایر اختیارات قوه مقننه را در سایر اصول قانون اساسی مشاهده کرد و آنها را در یک مقوله، جمع‌آوری و رده‌بندی کرد.

قوه مجریه نیز قلب حکومت نامیده شده است و هیچ یک از قوانین اساسی موجود در دنیا به طور کلی نتوانسته‌اند از آن چشم‌پوشی کنند. به عنوان نمونه اصول 66 تا 96 قانون اساسی کره جنوبی (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1378(پ)، صص 53-44) به مسئولیت‌ها و اختیارات رئیس دولت و رئیس جمهوری، شیوه انتخاب رئیس جمهور، سوگند رئیس جمهور،

دوره تصدی رئیس‌جمهور، فرماندهی کل نیروهای مسلح توسط رئیس‌جمهور، اعطای نشان‌ها و صدور فرمان‌ها توسط رئیس‌جمهور، اعطای عفو و تخفیف مجازات توسط رئیس‌جمهور، حدود اختیارات و شکل انتخاب نخست وزیر و اعضای شورای دولتی، شورای امنیت ملی، انتخاب رؤسای وزارتخانه‌های اجرایی و نحوه و شیوه تأسیس سازمان و وظایف وزارتخانه‌های اجرایی اشاره شده است.

قوه قضاییه در بسیاری از قوانین اساسی دنیا و بلکه همه آنها، یک نیروی همسازگر و برطرف‌کننده اختلاف‌ها و دعاوی شخصی و عمومی تلقی شده است. فصل هفتم و هشتم قانون اساسی مراکش (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1378 (ت)، صص 49-47) به دستگاه قضایی، شیوه‌های نصب و عزل قضات، اختیارات شورای عالی قضایی، دیوان عالی، نحوه رسیدگی به دعاوی و انواع مسئولیت‌ها اشاره کرده است.

نظام حزبی و نظام انتخاباتی، پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. اکثر قوانین اساسی دنیا، اداره امور عمومی کشور را از راه مراجعه به آرای عمومی میسر دانسته و وجود و آزادی احزاب را مورد قبول قرار داده‌اند. انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس اول و دوم و متصدیان حکومت محلی و اداره امور شهر از طریق مراجعه مستقیم به آرای ملت ممکن دانسته شده است. بنابراین به نحوی ضروری از آزادی اجتماعات، تشکل‌ها، نهادهای مدنی و احزاب سیاسی نیز سخن به میان آورده‌اند. البته ترتیب دقیق آن را به عهده قانون عادی انداخته و در متن قانون اساسی، تنها به کلیات اکتفا کرده‌اند. اصول 48 و 49 قانون اساسی ایتالیا (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1379 (ب)، صص 38-37) به همه اتباع اعم از مرد و زن که به سن قانونی رسیده‌اند، حق شرکت در انتخابات را داده است. شرکت در انتخابات، یک وظیفه مدنی تلقی شده و آرا، فردی و یکسان و آزاد و مخفی به شمار رفته است. به همه اتباع نیز حق داده است که برای مشارکت در تعیین سیاست ملی به روش دموکراتیک و آزادانه به احزاب بپیوندند. در قانون اساسی اسپانیا، احزاب سیاسی مظهر سیاست چندحزبی کشور تلقی شده‌اند که در تشکل و ابراز اراده مردم، یاری می‌کنند و وسیله بنیادی مشارکت مردم در امور سیاسی هستند. تأسیس و فعالیت احزاب، با رعایت قوانین اساسی و عادی، آزاد و دموکراتیک دانسته شده است (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1381 (الف)، ص 31). اصل شصت و هشتم همین قانون اساسی، انتخابات را همگانی، آزاد و با آرای برابر و به طور مستقیم و مخفی

و مطابق با قانون (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1381(الف)، ص 55). محسوب کرده است.

درباره حقوق اساسی فردی و آزادی‌های عمومی مدنی می‌توان به یک نکته بنیادین اشاره کرد. قوانین اساسی به شکلی قاعده‌مند، محصول پاسداشت حقوق فرد در قبال قدرت سیاسی دستگاه دولت هستند. قوانین اساسی به این دلیل پدید آمده‌اند که میان دولت و فرد، توافقی برقرار سازند تا نظام زمامداری نتواند به حیطه حقوق فردی تجاوز کند. حقوق مالی افراد، حقوق ناشی از اجرای عدالت، انواع آزادی‌های شخصی (بیان، تن، مذهب، مطبوعات، اجتماعات و عضویت در احزاب و تشکل‌ها)، مصونیت جان و مال، مصونیت از تبعیض، حقوق مساوی شهروندی و حقوق بیگانگان، همگی هنگامی معنا دار می‌شوند که در سایه یک متن به نام قانون اساسی گردهم آیند.

در قانون اساسی سوئیس (دفتر توافقات بین‌المللی، 1378 (ب)، صفحات گوناگون) از تساوی حقوق زن و مرد در برابر قانون، نفی برده داری، تضمین حقوق مردم و ایالت‌ها، حقوق مدنی شهروندان سوئیس، منع تعرض به آزادی مذهب، تضمین احوال شخصیه، حق ازدواج، تضمین آزادی مطبوعات، حق تشکیل انجمن‌ها، تضمین حق دادخواهی، حق بهره‌مندی از قاضی قانونی و بهره‌مندی اتباع کانتون‌های مختلف سوئیس از حقوق مساوی در محاکم قانونی سخن به میان آمده است. در مبحث چهارم قانون اساسی الجزایر (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1379 (الف)، صص 31-37) به نحوی مشروح از انواع و اقسام حقوق و آزادی‌ها و شیوه‌های تضمین و به رسمیت شناختن آنها و نیز تکالیف و وظایف اتباع در حمایت و حفاظت از استقلال و حاکمیت و نیز در انجام تعهدات مربوط به دفاع و حفظ احترام به شهروندان سخن گفته شده است.

یک نگاه مقایسه‌ای به قوانین اساسی گوناگون (بوشهری، 1384 (ت)، صص 44 و 51 و 223؛ بوشهری، 1385، ص 241؛ شیخ الاسلامی، 1380، صص 180 و 30-27) نشان می‌دهد که دو اصل اساسی مورد دقت و توجه وضع‌کنندگان قانون اساسی بوده است: چگونه و با بهره‌گیری از کدام شیوه‌ها می‌توان از قانون اساسی به عنوان برترین هنجار حقوقی کشور نگهبانی کرد؟ چگونه و با بهره‌گیری از کدام ساز و کارها می‌توان هنگام ضرورت، اقدام به تجدید نظر در قانون اساسی کرد؟ به عنوان نمونه، در قانون اساسی ژاپن (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1379 (پ)، صص 48-49). در اصل نود و ششم، از شیوه اصلاح قانون اساسی و در اصل نود و هشتم، از ارزش

نداشتن یک قانون و بی‌اعتبار بودن هر قانون، فرمان، دستخط امپراتوری و تصویب‌نامه‌های دولتی که تمام یا قسمتی از آن با قانون اساسی تعارضی داشته باشد، سخن گفته شده است. طبق اصل هشتاد و یکم (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1379 (پ)، ص 45) دیوان عالی، آخرین مرجع قضایی و مسئول تشخیص انطباق قوانین، فرمان‌ها، مقررات و تصویب‌نامه‌ها با قانون اساسی تلقی شده است. در قانون اساسی لبنان (دفتر توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1380، صص 32 و 33 و 73 و 74) در اصل نوزدهم، شورای قانون اساسی برای اعمال نظارت تمام بر مطابقت داشتن قوانین با قانون اساسی در نظر گرفته شده و مطابق اصول 76 و 77 همین قانون اساسی، بازنگری در قانون اساسی، هم به ابتکار رئیس‌جمهوری و هم به ابتکار مجلس نمایندگان واگذار شده است.

ساختار نظام سیاسی و حکومتی، برآمده از رفتار سیاسی و حقوقی یک نظام زمامدارانه است. اما هنگامی که به فرهنگ سیاسی، بوروکراسی، پیوند نظامیان با سیاست و نحوه و شیوه دخالت میلیتاریست‌ها در عملکرد سیاسی، توسعه سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، ویژگی‌های ملت، نوع و کیفیت جامعه، ویژگی‌های اقتصاد سیاسی، رژیم‌های شبه دموکراتیک، تأثیر جهانی‌شدن، توسعه یافتگی و ویژگی‌های رژیم‌های سیاسی در حال گذار توجه می‌شود، در حقیقت کارکردهای سیاسی یک نظام حقوقی- سیاسی در عمل مورد دقت قرار می‌گیرد. عملکردهای سیاسی، افزون بر محتوای قانون اساسی، حاصل تجربه‌های تاریخی کشورها نیز هست. آن چه که به طور صریح گفته و نوشته می‌شود شاید برابر با کردارهای زمامداران یک کشور نباشد. در قانون اساسی فرانسه در اصل یکم به صراحت گفته شده است که فرانسه یک جمهوری غیرقابل تجزیه، غیرمذهبی و دموکراتیک (اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری، 1376، ص 21) است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نگارنده در نگارش این مقاله، دو هدف اصلی دارد: یک، ساده ساختن درک متن قانون اساسی یک کشور از طریق تنظیم موضوع‌ها؛ دو، ارائه یک الگو برای بررسی‌های مقایسه‌ای قوانین اساسی کشورها. اکنون شاید بهتر بتوان درس‌های سیاست و حکومت را در گرایش‌های سیزده‌گانه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خواند و از سرگذرانند؛ زیرا الگوی پیشنهادی

اجازه می‌دهد کل قانون اساسی به 9 قسمت تجزیه شود. هر چقدر پدیده مورد پژوهش، کوچک‌تر باشد، پژوهشگر دقیق‌تر می‌تواند آن را در محدوده ذهن خود بگیرد. اشراف بر جزیره‌های نه‌گانه یک قانون اساسی سبب می‌شود پژوهشگر درکی ژرف‌تر از کلیت متن دریافت کند. در این زمینه، نگارنده حرکت استقرایی را پیشه خود ساخته است و به دیگران نیز پیشنهاد می‌کند.

منابع و ماخذ

الف- فارسی

1. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1376)، قانون اساسی جمهوری فرانسه، تهران، اداره کل قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
2. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1378الف)، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
3. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1378ب)، قانون اساسی کشور سوئیس، ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
4. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1378پ)، قانون اساسی کره جنوبی، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
5. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1378ت)، قانون اساسی مراکش، ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
6. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1379الف)، قانون اساسی جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر، ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
7. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1379ب)، قانون اساسی جمهوری ایتالیا، ترجمه امیررضا وکیلی فرد، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
8. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1379پ)، قانون اساسی ژاپن، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.

9. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1379ت)، قانون اساسی جمهوری نیجر، ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
10. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1380)، قانون اساسی کشور لبنان، ترجمه مهدی رستگار اصل، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
11. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1381الف)، قانون اساسی کشور اسپانیا، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
12. اداره کل توافقات بین‌المللی ریاست جمهوری (1381ب)، قانون اساسی پادشاهی عربستان سعودی، ترجمه مهدی نورانی، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور نهاد ریاست جمهوری.
13. اونیل، پاتریک (1386)، مبانی سیاست تطبیقی، ترجمه سعید میرترابی، تهران: قومس.
14. بال، آلن؛ گای پیترز، ب (1384)، سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: قومس.
15. بوشهری، جعفر (1384الف)، حقوق اساسی: اصول و قواعد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
16. بوشهری، جعفر (1384ب)، حقوق اساسی: مسائل، تهران: شرکت سهامی انتشار.
17. بوشهری، جعفر (1384پ)، حقوق اساسی: تطبیقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
18. بوشهری، جعفر (1384ت)، حقوق اساسی: متون قوانین اساسی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
19. بوشهری، جعفر (1385)، حقوق اساسی: حکومت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
20. رنی، آستین (1374)، حکومت: آشنایی با علم سیاست، ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
21. شیخ الاسلامی، سیدمحسن (1380)، حقوق اساسی تطبیقی، شیراز: کوشامهر.
22. مدنی، سیدجلال الدین (1379)، حقوق اساسی تطبیقی، تهران: پایدار.

ب- انگلیسی

1. Hauss, Charles (2006), **Comparative Politics: Domestic Responses to Global Challenges**, New York: Thomson/Wadsworth .
2. Maddex, Robert L. (1995), **Constitutions of the World**, London, Routledge .
3. Maddex, Robert L. (1996), **the Illustrated Dictionary of Constitutional Concepts**, London: Routledge .
4. Newton, Kenneth (2005), **Foundations of Comparative Politics: Democracies of the Modern World**. Cambridge: Cambridge University Press .
5. Sodaro, Michael J. (2008), **Comparative Politics: a Global Introduction**. London: McGraw-Hill.

